

نسبتهای مالی هشداردهنده برای شناسایی شرکت های در آستانه ورشکستگی

کدام نسبتهای مالی هشداردهنده هستند؟

در حالی که **سرمایه گذاران سهام** را با استفاده از روش های مختلف، مثل نسبتهای سودآوری، نسبتهای **بدهی و نسبتهای نقدینگی**، مورد ارزیابی قرار می دهند باید حواسشان باشد که نسبتهای مالی را که می توانند سیگنال هایی از یک **ورشکستگی** قریب الوقوع باشند، نیز در نظر بگیرند. نسبتهای مالی کلیدی وجود دارند که می توانند این هشدارها را از قبل بدهند تا شما زمانی کافی داشته باشید که از شر سهام این شرکت ها رها شوید.

نسبتهای مالی (۱): نسبت جاری

نسبت جاری که **داریایی های جاری** را بر بدهی های جاری تقسیم می کند، یکی از اصلی ترین نسبتهای نقدینگی مورد استفاده برای ارزیابی امنیت مالی یک شرکت است. این نسبت با اندازه گیری کفایت منابع جاری شرکت برای پوشش همه تعهدات بدهی اش در ۱۲ ماه آینده، توانایی شرکت را در پرداخت تعهدات بدهی کوتاه مدتش ارزیابی می کند. نسبت جاری بالاتر نشان می دهد که شرکت نقدینگی بیشتری دارد. عموماً، نسبت جاری ۲ یا بیشتر مناسب است. نسبتهای کمتر از یک، علامت هشدار هستند.

نسبتهای مالی (۲): نسبت جریان نقدی عملیاتی به فروش

پول نقد و جریان پول نقد، کلید موفقیت و نجات هر کسب و کاری به شمار می رود. نسبت جریان نقدی عملیاتی به فروش، جریان نقدی تقسیم بر **درآمد** حاصل از فروش، توانایی شرکت در تولید پول نقد از محل فروشش را نشان می دهد. رابطه ایدئال بین جریان نقدی عملیاتی و فروش، یک افزایش موازی است. اگر جریان نقدی با افزایش فروش افزایش نیابد جای نگرانی خواهد بود و ممکن است نشانه های بر ناکارآمدی مدیریت **هزینه ها** یا حساب های دریافتی باشد. در مورد نسبت جریان نقدی عملیاتی به فروش، عموماً نسبت بالاتر بهتر است. تحلیل گران ترجیح می دهند تا شاهد اعداد رو به رشد، یا حداقل ثابتی در طول زمان باشند.

نسبتهای مالی (۳): نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام

نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام اساساً یک نسبت آهر می بوده و یکی از نسبتهای مالی است که در ارزیابی سلامت مالی شرکت به شدت مورد استفاده قرار می گیرد. این نسبت معیاری اساسی از توانایی شرکت در برآورده کردن تعهدات و **ساختار مالی** شرکت، بدون توجه به اینکه بیشتر **سرمایه** شرکت از طریق سهامداران یا با ایجاد بدهی تأمین می شود، به دست می دهد. اگر این نسبت بالا بوده یا در حال افزایش باشد، نشان می دهد که شرکت کاملاً به تأمین مالی از طریق **وام** و بدهی به جای استفاده از سرمایه ای که سرمایه گذاران سهام فراهم می کند، وابسته است.

این نسبت همچنین از این جهت مهم است که یکی از معیارهای اصلی است که توسط وام دهندگان در نظر گرفته می شود. اگر **وام دهنده** ها عقیده داشته باشند که نسبت بالاست، ممکن است مایل به وام دادن به شرکت نباشند. یک نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام مطلوب حدود ۱ است، جایی که سهام تقریباً با بدهی ها برابری می کند. گرچه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام از صنعتی به **صنعت** دیگر متفاوت است، قانون عمومی این است که نسبت بالای ۲، ناسالم در نظر گرفته می شود.

نسبتهای مالی (۴): نسبت جریان نقدی عملیاتی به بدهی

وجود جریانات نقدی عملیاتی برای هر کسب‌وکاری ضروری است. هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون پول نقد لازم برای پرداخت صورت‌حساب‌ها، بازپرداخت وام‌ها، اجاره‌بها، دادن حقوق و دستمزد و پرداخت مالیات ضروری به‌درستی به کار خود ادامه دهد. نسبت جریانات نقدی عملیاتی به بدهی که از تقسیم جریانات نقدی بر بدهی کل به دست می‌آید، بعضی اوقات به‌عنوان تنها پیش‌گوی ناکامی مالی در نظر گرفته می‌شود.

این نسبت به‌صورت تئوریک نشان می‌دهد که اگر یک شرکت ۱۰۰٪ جریانات نقدی اش را به پرداخت بدهی‌هایش اختصاص دهد، چه مدت طول می‌کشد که بدهی‌ها به‌طور کامل تسویه شوند. یک نسبت بالاتر نشانگر این است که شرکت ظرفیت پوشش بدهی خود را به شکل مطلوبی دارد. بعضی از تحلیل‌گران از جریان نقدی آزاد به‌جای جریان نقدی عملیاتی در محاسبه‌های خود استفاده می‌نمایند، چون جریان نقدی عملیاتی هزینه‌های سرمایه‌ای را نیز در دل خود دارد. یک نسبت بالاتر از ۱ عموماً سالم در نظر گرفته می‌شود، اما هر عددی کمتر از ۱ به معنی نشانه‌ای از ورشکستگی قریب‌الوقوع در طول چند سال آینده است، مگر اینکه شرکت قدم‌هایی برای بهبود قابل‌توجه وضعیت مالی خود بردارد.

یک معیار دیگری که اغلب برای پیش‌گویی ورشکستگی مورداستفاده قرار می‌گیرد، نمره (Z-score) Z است که ترکیبی از چند نسبت مالی برای تولید یک نمره ترکیبی منفرد به‌حساب می‌آید.

<https://t.me/amoozeshbourseiran>

